

پس ظن غالب حاصل شد که هیکل دیگری وجود دارد و در نظم امور این راهوار طبیعت خللی مینماید. اینک مسئله مشکلی که دانا‌های خبیر و ریاضی‌دانهای ماهر را بمیدان میطلبد این بود که پس از تعیین تزلزل در خط حرکت اورانوس محل آن هیکلی را معین کنند که باعث این انجذاب گشته است. دو نفر منجم که یکی از آنها انگلیسی و موسوم به «آدمس» (۲) و دیگری فرانسوی و نامش «لوریه» (۳) بود در يك زمان موفق بجل این مسئله حیرت‌انگیز شدند و مکانی را که سیاره باید در آنجا باشد، تعیین نمودند. پس از آن به وسیله تلسکپ بزرگ برلین سیاره مزبور را در آن حوالی یافتند. کشف کوکب نپتون بواسطه ریاضیات فلکی قدرت و احاطه شگفتی بخش علم را بخوبی بمانمی‌نمایاند و شاید قدری خواندن این ماجرا جوانان را بیدار نماید.

مصطفی ملایری، محصل دارالفنون پروت

تمدن شرق

گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 هندوستان کنونی

ر شماره دوم مجله «اسپراتو» منطبعة ژنو که ارکان رسمی «مجمع عمومی اسپراتو» است شرحی راجع به وضعیت سیاسی هندوستان در تحت عنوان فوق درج شده است. یکنفر هندی فاضل در مقام انتقاد آن برآمده و در شماره سیم مجله مذکور شمه از مسائل روحی هموطنان خود بزبان شیرین اسپراتو

انتشار میدهد. چون از نقطه نظر مجاورت وطن مقدس ما با هندوستان شناسائی آن مملکت برای ما ایرانیان از فرائض مهمه بشمار می رود، اینجانب به ترجمه هر دو قسمت مبادرت و ذیلاً تقدیم خوانندگان مجله شریفه ایران‌شهر مینماید. ا. ق. امینی



ما در اینجا خلاصه نطق مسیو «مارتینو» را که مدت پنجاه سال در قسمت هندوستان فرانسه حکومت داشته است و در مجمع «سوسیولوژی» پاریس ایراد کرده نقل مینمائیم.

چندین نژاد، ساکنین هندوستان را که تعداد آنها ۳۲۵ میلیون است تشکیل میدهند. تعداد اروپائیان ساکن این مملکت نسبتاً بسیار اندک و تقریباً سیصد هزار نفر می‌شود، یعنی کمتر از یکهزارم کلیه جمعیت هندوستان.

بنگالیها، پنجابیها، تامولها و غیره نه از حیث نژاد بلکه از حیث زبان، مذهب و اخلاق نیز بایکدیگر تفاوت و تباین کلی دارند، ولی عموماً دارای یک حس مشترك می‌باشند که فقط عبارت از هندوستانی بودن است. وحدت جغرافیائی با تمام وسعتی که این مملکت دارد نیز به این مقصد عالی آنها کمک مینماید. چه طبیعت بخودی خود این مملکت را به وسیله جبال هیمالایا، اقیانوس هند و خلیج بنگاله از هر طرف احاطه نموده است.

تعداد پیروان مذاهب مملکت مزبور از قرار ذیل است:

مذهب برهمنائی شایعترین و در عین حال بردبارترین کلیه مذاهب این مملکت است. مذاهب مذکور بر طبق تعالیم مخصوصه خویش فقط معرف یک حقیقت مقیدیکه تنها مناسب و ملایم با روحیات هندوها است میباشد. حقیقت مطلقه برای هندیهای برهمنائی

بهیچوجه وجود ندارد، و آنها نیز بهمین جهت است که در مقام بر نمی‌آیند عقیده و ایمان خود را در میان اقوامی که در خارج هندوستان زندگی میکنند نشر و ترویج نمایند. علاوه بر اینها این مذهب همواره بسیار ملایم و آرامش طلب بوده و قبول ربقه عبودیت ملل اجنبی را از قبیل ایرانیها، افغانها، مغولها، عربها و بالاخره اروپائیهما مجاز داشته است.

ممذلك معارف اروپائی که چندی است به اتفاق زبان انگلیسی قدم در سرزمین هندوستان گذاشته حس ملیت، وطن پرستی و حریت سیاسی را به هندیها شناسانده و مخصوصاً بقسمی حس ملیت هندی را اخلاقاً در آنها تقویت کرده است که کنون به وسیله «گاندی» آرامش طلب معروف و حتی به وسیله بزرگترین ملاکین و متمولین آن مملکت تبلیغ و ترویج می‌شود.

مسلمین هندوستان در بدو امر بمناسبت ضدیت و معاندتی که با برهمنائیها داشتند کاملاً نسبت بحکومت انگلیس وفادار بودند ولی از بعد از سال ۱۹۱۱ که دولت ایتالیا در طرابلس بنای دست اندازی را گذاشته و نسبت بحقوق خلیفه بی احترامی نمود آنها نیز به عمق سیاست انگلیس پی برده و ارکان اعتمادشان نسبت به دولت مذکور متزلزل گردید. جنگ عمومی که انگلیسها در طی آن بر علیه دولت ترکیه قیام نمودند نیز بیشتر خشم مسلمین هندوستان را بر علیه انگلستان تحریک و تقویت نمود. کنون سیاست این جمعیت در تحت ریاست شخصی محمد علی قائد معروف اداره می‌شود.

سومین قائد هندیها که در این دفعه از نژاد انگلیسها بود یعنی «مادام بسانت» نیز بنوبت خویش در حس ملیت هندی شرکت نمود. خانم مزبور قبلاً در میان هندیها فقط به ریاست «مجمع

توزونی» (الهامیون) هندوستان که مرکزش در شهر «آدیار» واقع در نزدیکی مدراس است، معروف بود. در این موقع خود را در جرگه استقلال طلبان این مملکت داخل ساخت و چون روز بروز بر شهرنش افزوده می‌شد از طرف حکومت هندوستان محبوس شد ولی طولی نکشید که در اثر اعتراضات شدید حزب کلرگر لندن آزاد گردیده مظفرانه و با نهایت سر بلندی در میان هلپله و فریادهای تحسین و تمجید آمیز پانصد هزار نفر جمعیت هندی به شهر مدراس بازگشت نمود. در روز عید تولد این خانم از طرف «هیئت جمع آوری اعانه هندوستان» مبلغ یک میلیون فرانک به رسم هدیه به مشارالیه اهدا شد.

در سنه ۱۹۱۷. متناکوی معروف برای تفتیش نهضت ملی هندیه وارد هندوستان شده و در تعقیب تفتیشات او یک اصلاحات (رفرم) سیاسی در وضعیات مملکت مذکور پدیدار گردید. به این معنی که از این هنگام هندوستان دارای یک حکومت محلی که به وسیله آراء عمومی انتخاب می‌شود گردیده و وزراء آن از میان خود هندیه اختیار می‌شوند. با وجود این امتیازات هنوز فیما بین دولت انگلستان و هندیه اعم از مسلمان، برهمنی یا غیره ورطه هولناکی وجود دارد و نهضت استقلال طلبی هندیه همه روز در رشد و نمو می‌باشد. منتها مقصد بعضی از آنها استقلال تام و تمام هندوستان است و منظور دیگران استقلال اداری آن، مثل حکومت کانادا یا ایرلاند.

در شماره اخیر مجله شریفه «اسپراتو» خلاصه راپورتی که در خصوص هندوستان از طرف یک نفر فرانسوی هوشمند در طی نطق ایراد شده نشر یافته بود. موضوع این راپورت فقط در باب سیاست، احزاب، جنگ و امثال آن بود. آیا کلیه هندوستان

عبارت از همین جزئیات است؟ مسلماً نه. این تنها يك منظره، يك دور نما، آنهم دورنمای بسیار مختصری از این دنیای وسیع سیصد میلیون جمعیتی است که در شبه جزیره مهم آسیای جنوبی زندگانی می کنند.

چندی قبل در منزل یکی از اروپائیان يك نفر هندی مهمان بود. در موقع صرف نهار در موضوع انواع اغذیه، ورزش، سیاست، تجارت، صنعت، عزت حیات، زندگانی دنیوی و برخی موضوعات اقتضاح آمیز هر يك از مدعوین سختی چند میراند سوای او که بکلی خاموش بود. خانم صاحب منزل از وی اظهار شکایت نمود که چرا غذا زیاد صرف نمیکند. ناگهان هندی مذکور از وی سؤال نمود: «خانم! شما در خصوص ابدیت روح چه عقیده دارید؟» عموم حضار در ششدر حیرت فرورفتند، چه احدی منتظر چنین سؤالی نبود و حتی در میان ایشان شاید نادرأ کسی یافت می شد که وقتی در این موضوع کمترین فکری را کرده باشد. بسیار خوب، کلیه مملکت هندوستان بسینها شبیه همین يك نفر مهمان هندی است. دو بیست و سی میلیون هندو، هفتاد میلیون مسلمان در این مملکت زندگانی میکنند و مهمترین شغل شاغل ایشان تفکرات مذهبی است. در میان این گروه انبوه بزحمت اگر دو بیست هزار نفر اروپائی از قبیل مستخدمین دولتی، نظامیان و بازرگانان که اهتمام ایشان قطعاً نه به امور مذهبی مصروف و نه بمسائل فلسفی معطوف است، امرار حیات مینمایند.

هندیها به جنگلهای با عظمت و نامحدود مملکت خویش که بدون خستگی و بانهایت صبر و بردباری بر روی اینیه قدیمی انسانی مردم میروید عادت نموده اند. آنها دارای وقتی واسع و احتیاجاتی محدود میباشند. پیروی از دین و مذهب ایشان را از

کلیه احتیاجات و ضروریات رغبت و شهوت انگیز زندگانی کنونی بکلی بی نیاز میدارد. آری آنها دائماً فکر میکنند و در حقایق اشیاء تأمل و دقت نظر مینمایند.

غریبون در نظر ایشان فقط يك مشت مردمان مادی، تجارت پیشه، قصاب، ماشین ساز و آزمند بتهصیل قدرت، منفعت و شهرت که همواره تعجیل در امور را بر تفکرات آرامانه و تأملات دقیقانه ترجیح میدهند، جلوه گر میباشند، شاید هم که از آنها وحشت نمایند ولی آیا ممکن است که از سر صدق و حقیقت بآنها احترام نمایند؟

رود کنگ با آن آب لاجوردی رنگ خود در تحت شعاع سوزان آفتاب جاری با هزارها اشخاص بزرگ و کوچک که در آبهای صاف و زلال آن غسل میکنند؛ معابد عتیقه با ستونهای سفید مرمری رنگ خویش با نهایت شکوه و عظمت آرام در جای خود برقرار؛ خورشید فروزان در بالای طبیعت هزار الوان مشغول تشعشع و حرارت افشانی؛ در جنگلها و بیشه‌های بی انتها دنیای حیوانی دائماً سرگرم نهر کشیدن و یا وزوز نمودن؛ ساعات، ایام، سنین و بلکه قرون بی شمار در گذر؛ انسان و اقوامی آمده، انسان و اقوام دیگر میروند؛ ولی اقوام هندی همواره زندگی کرده و فکر میکنند.

در نظر ایشان يك دقیقه با يك حیات مادی طولانی در يك عرض حساب می‌شود. حیات چیست؟ زمان چیست؟ سبب ایجاد این هر دو کدام است؟ از فکر ما در این باب چه نتیجه حاصل می‌شود؟

شام مقدس با عطر مطبوع و شمیم خوشبوی خود فرا می‌رسد. شب بالهای سیاه رنگ خود را در زیر آسمان باشکوه می

گستراند. هزاران هزار ستارگان درخشان در عالم بالا مجتمع و پدیدار می‌شوند. آیا در سطح آنها آدمهائی هم زندگی میکنند؟ این دنیای کوچک ما در میان اینهمه عوالم بی‌اتهی چیست؟ چرا ما به وجود آمده‌ایم؟ موجد کلیه این عوالم کیست؟ منظورش از این ایجاد کدام است؟ اینها موضوعاتی است که هندی دائماً با نهایت تعمق در مورد آنها فکر می‌کند.

در همین وقت اروپائی میرقصد، بازی میکند، کار میکند یا حساب مینماید. همیشه سرگرم کاری است و همواره عامل عملی! از فکر کردن می‌ترسد. نظاره مجموعه‌های نامحدود کواکب آسمان مغز او را پریشان می‌سازد. آیا روح باقی است؟ شاید. در این موضوع روز یکشنبه آیه «انشاءالله» حضرت کشیش مذاکره خواهد کرد. فعلاً لازم است که زندگانی کنونی را مرفه و مقرون به آسایش نمود. بعدها در این باب البته تدقیق نظر خواهد شد!

در میان این دو نوع آدم اختلافی وسیع و عمیق همچون یابان و دزیای بی‌پایان حکمفرما است. مادی‌ترین آنها بوسیله اصول علم و عمل، بوسیله پول و بالاخره بوسیله توپ و تفنگ حکمفرمائی میکند؛ و روحی‌ترین آنها همواره در آزادی روح خود سعی می‌کرده و میکند. ممکن است وقتی در آزادی جسم خود نیز کوشش نماید، ولی هیچگاه به سایر ضروریات پیوده محتاج نیست و هرگز هم محتاج نخواهد شد. چرا که فکر همیشه بر اینگونه احتیاجات لایعنی غالب است و هرگز مغلوب آنها نخواهد شد.

غربی و شرقی همیشه باهم جنگ و نبرد خواهند کرد. بالاخره روزی خواهد رسید که از یکدیگر کسب معلومات خواهند

نمود. دانش، اقتصاد، علم اداری، تمدن مادی و هر چیزی را که راجع به‌عالم مادی و خارجی است ممکن است اروپائیان تعلیم دهند، اما راجع به‌چیزی که مربوط به‌عالم روحی و درونی است چون چندان وسعت اطلاعی ندارند می‌توانند از هندیها خصوصاً و سایر شرقیون عموماً تعلیم بگیرند و بدانند که چگونه باید در روح خود تولید قوت و قدرت نمود، چگونه روح خود را پرورش داد، چگونه بنفس خود معرفت حاصل نمود و زمام اختیار آنرا بدست آورد و بالاخره چگونه خود را بر کشمکش‌های خارجی و عوارضات مادی غالب نمود.

شاید روزی بیاید که شرقی بتواند از فواید علم و صنعت خود را بهره‌مند نماید و غربی نیز کمتر از این خود را به‌احتیاجات مزخرفه و مشتهیات پیه‌وده مشغول و از این زندگانی مادی خود را نجات بخشیده در شاهراه حکمت و تأمل و تعمق در محاسن و بدایع طبیعت بازافتد. یحتمل که «اسپراتو» زبان شیرین عمومی و بین‌المللی خودمان نیز به‌این مضمی کمک نماید و شاید هم که اونورسیتة «راین درانات ناگور (۱)» واقعه‌د «ساتی نیکتان» به‌این مقصد عالی مساعدت فرماید.

دانشمندی هندی گفته است: «سود آن کس که تحصیل علم مینماید فراوان، ولی قلب آن کس که دوست میدارد همواره شادان است.»

[۱] Rabindranath Tagore (رجوع شود بشماره ۶ مجله)

.....

چيست اين سقف بلند سادهٔ بيار نقش
 اين معما هيچ دانا در جهان آگاه نيست
 در طريقت هر چه بيش سالک آيد خبر اوست
 در طريق مستقيم اي دل کسی گمراه نيست [حافظ]